

## جهاد ابتدایی از دیدگاه فقه شیعه

سیدصادق حقیقت / استاد دانشگاه مفید / ss\_haghighat@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

(DOI): 10.22034/shistu.2022.533738.2090

### چکیده

«جهاد ابتدایی»، به معنای اعلام جنگ علیه کفار پس از اصل دعوت، در طول تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی - اعم از شیعه و سنی - معرکه آراء بوده است، در حالی که جهاد دفاعی امری متفق علیه تلقی می‌شود. سنت‌گرایان و تجددگرایان به جهاد ابتدایی باور ندارند، در حالی که مشهور علمای شیعه جهاد ابتدایی را مختص به زمان حضور معصوم علیه السلام می‌دانند. برخی به ضرورت جهاد ابتدایی در زمان غیبت معتقدند. شهید مطهری تعبیر موسعی از دفاع (از توحید) به دست می‌دهد که جهاد ابتدایی - حتی در زمان غیبت - را نیز شامل می‌شود. برخی نیز همچون آیت‌الله خوئی هرچند به نظریه «ولایت فقیه» و حکومت اسلامی معتقد نیستند، اما به جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبرا باور دارند. بر اساس نظریه «همروی»، جنگ علیه کشورهای کافری که قصد جنگ با دولت اسلامی ندارند (مصدق جهاد ابتدایی) خلاف حکم عقل مستقل است. عقل مستقل جهاد ابتدایی به معنای مشهور را نفی می‌کند. در واقع، موضوع جهاد ابتدایی در دوران مدرن منتفی است. کلیدواژه‌ها: جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، دولت سکولار، فقه سیاسی شیعه، نظریه همروی.

## مقدمه

در طول زمان، و به شکل خاص بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اندیشمندان درباره رابطه اسلام و حقوق بشر، تروریسم و افراط‌گرایی بحث‌های مفصلی مطرح کرده‌اند. در این بین، برخی مدافع سازگاری اسلام و حقوق بشر، و برخی مخالف این مسئله هستند. فرض اولیه آن است که در دین اسلام و مذهب تشیع شاهد قرائت‌های متفاوت و گاه متضادی در خصوص بحث «جهاد ابتدایی» هستیم. برخی معتقدند: لازمه منطقی تعهد به اسلام این نکته است که «افراط‌گرایی اسلامی» ریشه در خود تعالیم اسلامی دارد.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق» قرآن را به استنطاق بکشید؛ زیرا خود سخن نمی‌گوید. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۵۸، ص ۲۸۱) اگر فرض ما، بر اساس خطبه ۱۵۸ نهج‌البلاغه و بر اساس اصول مسلم هرمنوتیکی، آن باشد که متن به خودی خود سخن نمی‌گوید، این سؤال به وجود می‌آید که بنیادگرایان اسلامی چگونه متن قرآن و سنت را به نطق درآورده‌اند. از نظر روش‌شناختی، متن‌گرایان<sup>۲</sup> معتقدند: متن،<sup>۳</sup> بدون ارجاع به زمینه،<sup>۴</sup> می‌تواند تحلیل شود، در حالی که زمینه‌گرایان<sup>۵</sup> معتقدند: متن الزاماً باید در شرایط خاص تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان خود تفسیر شود. به همین دلیل است که جهاد اسلامی نیز باید بین متن و زمینه تفسیر شود. در غیر این صورت، هر کس می‌تواند تفسیر دلخواهی از متن ارائه کند. در این متن، ابتدا معانی و انواع جهاد توضیح داده خواهد شد و سپس چهار قرائت بدیل در بین تفکر شیعی با یکدیگر مقایسه می‌شوند: رویکرد سنتی،<sup>۶</sup> رویکرد بنیادگرایانه،<sup>۷</sup> رویکرد سنت‌گرایانه<sup>۸</sup> و رویکرد تجددگرایانه.<sup>۹</sup> در ضمن، قرائت‌های شیعی و سنی از جهاد نیز مقایسه خواهند شد.

۱. برای مثال، کارگاهی با عنوان «الگوهای متغیر امنیت در خاورمیانه و آسیای مرکزی» توسط دپارتمان امور امنیت ملی (the Department of National Security Affairs) مرکز مطالعات راهبردی (The Center for Strategic Studies) در ایالات متحده، به تاریخ ۱۹ می ۲۰۰۵ برگزار شد.

2. textualists.

3. text.

4. context.

5. contextualists.

6. traditional approach.

7. fundamentalist approach.

8. traditionalist approach.

9. modernist approach.

نگارنده در سال ۲۰۰۶ مقاله‌ای در این خصوص به همایشی در اوترخت هلند ارائه کرده (Haghighat, 2010)، هرچند آن ایده در مقاله حاضر از چند جهت تقویت شده است: اولاً، استدلال فقهی (و منابع جدید) به آن اضافه شده، ثانیاً نسبت آن با (عقل مستقل و) نظریه «همروی» بررسی شده و ثالثاً، به نحله هرمنوتیکی مشخصی ارجاع شده است. به نظر می‌رسد بر اساس هرمنوتیک کوئنتین اسکینر،<sup>۱</sup> می‌توان برداشتی نو از جهاد در اسلام ارائه داد.

### تعریف و انواع «جهاد»

«جهاد» از نظر لغوی به معنای جهد و کوشش است که در شکل نظامی، معنای خاص خود را پیدا می‌کند. ریشه «جهاد» به معنای کوشیدن است. همان‌گونه که فایرستون اشاره می‌کند، «حرب» نیز در زبان عربی برای «جنگ» استفاده می‌شود. (Firestone, 1999, P. 16) تفاوت این دو کلمه در آن است که در جهاد نوعی تقدس و اعتقاد وجود دارد و به همین سبب، غربی‌ها آن را «جنگ مقدس»<sup>۲</sup> نامیده‌اند. پس «جهاد» صرف جنگیدن نیست، بلکه نوعی تقدس و اعتقاد را دربر دارد.

ابن‌رشد در کتاب مقدمه، جهاد را به چهار نوع تقسیم می‌کند: جهاد قلبی، جهاد زبانی، جهاد یدی و جهاد با شمشیر. جهاد زبانی نوعی امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم خطاب به نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «ای پیامبر، با کفار و منافقان مجاهده کن».<sup>۳</sup> در واقع، پیامبر ﷺ با کفار به وسیله شمشیر، و با منافقان به وسیله زبان مجاهده کرد.

ماوردی، فقیه شافعی در قرن چهارم و پنجم هجری، کفار دارالحرب را به دو دسته تقسیم می‌کند: گروه اول پیام اسلام را شنیده و با آن به مبارزه برخاسته‌اند. دسته دوم اساساً

1. Quentin Skinner.  
2. Holy War.

۳. «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ.» (توبه: ۷۳)

نتوانسته‌اند حق را از باطل تشخیص دهند و قاصر تلقی می‌شوند. امروزه با توجه به جهانی شدن رسالت اسلام، قاصران تعداد کمی را در برمی‌گیرند. به هر حال، قبل از جهاد علیه کفار، باید دعوت اسلامی وجود داشته باشد.

در پیام دعوت، ادله نبوت و حقایق اسلام تبیین می‌شود تا افراد به پذیرش این دین الهی ترغیب شوند. اگر با این حال، اسلام را نپذیرند، جهاد پیش می‌آید. ابن تیمیه، فقیه حنبلی قرن هفتم هجری، جهاد را جنگی قانونی و شرعی علیه کسانی می‌داند که با اسلام به مخالفت برخاسته‌اند. بی‌تردید، کودکان، زنان، افراد مریض و مانند آنها هدف جهاد نیستند؛ زیرا ضدیتی با اسلام ندارند و در مقابل مجاهدان اسلامی قرار نگرفته‌اند. پس جهاد علیه کسانی است که به شکلی متجاوز محسوب می‌شوند، نه علیه بی‌گناهان.

از اینجاست که جهاد را باید به دو نوع «دفاعی» و «ابتدایی» تقسیم کرد. در جهاد دفاعی، مسلمانان تنها در مقابل متجاوزان از جان و مال و ناموس خود دفاع می‌کنند، در حالی که در جهاد ابتدایی این شرط وجود ندارد. جهاد دفاعی حکم عقل و شرع است؛ زیرا وقتی دشمن به خانه کسی حمله کند، او حق دفاع از خود را دارد.

تقسیم دیگری نیز برای جهاد وجود دارد: «جهاد اصغر» و «جهاد اکبر». جهاد اصغر همان جنگ با کفار است که طبق مطالب پیش‌گفته، می‌تواند ابتدایی یا دفاعی باشد. جهاد اکبر همان مبارزه با نفس، به مثابه یک امر اخلاقی است. در جهاد اصغر با کفار می‌جنگیم، و در جهاد اکبر با نفسانیات و شیطان. پس جهاد می‌تواند اکبر یا اصغر باشد؛ همان گونه که جهاد اصغر می‌تواند شکل دفاعی یا ابتدایی به خود گیرد.

این متن اساساً بر جهاد ابتدایی متمرکز است؛ زیرا به اسلام سیاسی، بنیادگرایی، رادیکالیسم، و حقوق بشر ربط مستقیم پیدا می‌کند. همان گونه که شیخ طوسی فرموده، جهاد واجب کفایی است، نه عینی.<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۹) صاحب جواهر نیز

۱. «الجهاد فریضة من فرائض الاسلام و رکن من ارکانه و هو فرض علی الکفایه».

می‌گوید: این امر نه تنها اجماعی، بلکه از ضروریات به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۹)

اینک به «روش‌شناسی» بحث می‌پردازیم تا ببینیم چرا باید متن الزاماً در درون زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تفسیر شود. بر اساس روش هرمنوتیکی، متن به خودی خود - و جدای از زمینه‌ها - امکان تفسیر صحیح ندارد. وزارت دادگستری ایالات متحده «جهاد» را استفاده از خشونت علیه مردم یا حکومت به مثابه یک عمل خشونت‌آمیز و بنیادگرایانه تعریف می‌کند و مصادیق آن را تروریسم، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، قتل و غارت و مانند آن می‌داند.<sup>۲</sup> این گونه سوء برداشت‌ها نتیجه در نظر نگرفتن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و احتمال قرائت‌های مختلف است. اگر جهاد صدر اسلام را در همان زمینه خاص خود تفسیر کنیم، خواهیم دید که از افراط‌گرایی و قرائت‌های غیردموکراتیک می‌تواند فاصله بگیرد.

### قرائت‌های متفاوت در تشیع

همان‌گونه که اشاره شد، این فرض اولیه باید پذیرفته شود که از یک متن قرائت‌های متفاوتی ممکن است به وجود آید. این مسئله صرفاً در مسائل دینی نیست و برای مثال، از مارکس هم قرائت‌های متفاوت و گاه متضادی در طول زمان پدیدار شده است.

در قرائت متون مقدس اسلامی، قرآن و سنت نیز نظریه‌ها و روایت‌های متکثری وجود دارد. علاوه بر قرائت سنتی از اسلام، می‌توان به سه قرائت دیگر نیز اشاره نمود.

یک معنای «بنیادگرایی» تکیه بر متن و جمود بر آن است، حتی اگر استلزامات سیاسی نداشته باشد. به این معنا، بسیاری از فقهای سنتی بنیادگرا به حساب می‌آیند. اما امروزه

---

۱. «الجهاد فریضة علی الکفایة بلا خلاف اجده فیه بیننا، بل و لا غیرنا، بل کاد یکون من الضروری، فضلاً عن کونه مجمعاً علیه.»

«بنیادگرایی» معنای سیاسی و اجتماعی پیدا کرده و با این شاخصه‌ها شناخته می‌شود. سنت‌گرایان به جای تحفظ بر ظواهر کلمات متون مقدس، بر معانی و روح دین تأکید دارند. به اعتقاد ایشان، معنویت و اخلاق روح و جان دین است. به همین دلیل است که ایشان ناقد تجدد محسوب می‌شوند؛ زیرا در مدرنیته، اخلاق و معنویت به محاق رفته است. تجددگرایان - برعکس - معتقدند: متن بر اساس مقتضیات مدرنیته باید تفسیر شود. اگر بخواهیم اصطلاح «نمونه مثالی»<sup>۱</sup> را از ماکس وبر وام بگیریم، باید بگوییم: این چهار قرائت نمونه‌های مثالی هستند و همواره در عمل، ترکیبی از آنها وجود دارد. در واقع، هر شخص یا گروهی به شکلی بین سه نمونه مثالی مزبور ترکیب کرده است. وبر هم درباره سه نوع نظام «سنتی»، «فرهمند» و «قانونی» معتقد است: این سه به شکل خالص در هیچ کشوری وجود ندارند و همواره ترکیبی از آن سه به چشم می‌خورد.

#### الف. رویکرد بنیادگرایانه

اگر دین را به دو بخش هسته و پوسته<sup>۲</sup> (معانی اصلی و شریعت) تقسیم کنیم، بنیادگرایان اساساً بر ظاهر شریعت بیش از مقاصد شریعت تأکید می‌کنند. برای مثال، ایشان به ظواهر آیه زیر تمسک می‌کنند: «با کسانی از اهل کتاب (یهود، نصارا، مجوس و صابئان) که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمردند و به دین حق گردن نمی‌نهند، بجنگید تا با خواری و ذلت، به دست خود جزیه بپردازند.»<sup>۳</sup> برداشت ظاهرگرایانه از این آیه آن است که جهاد عبارت است از: جنگی دائم با کفار، حتی اهل کتاب، تا اسلام بیاورند یا به پرداخت جزیه - به عنوان مالیات اسلامی - تن دهند. استدلال آنها را می‌توان به شکل ذیل صورت‌بندی کرد:

1. ideal type.

2. core and shell.

۳. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.» (توبه: ۲۹)

اولاً، جنگ با کفار واجب است.

ثانیاً، کفار شامل اهل کتاب نیز می‌شود.

ثالثاً، احکام فقهی، هم تقدس دارند، هم زمان‌مند و مکان‌مند نیستند؛ و بنابراین، چون مصالح نوع بشر را تأمین می‌کنند، زمان و مکان ما را نیز شامل می‌شوند. سید قطب، یکی از بنیانگذاران اسلام‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی، جهاد را وسیله‌ای برای تحقق اهداف الهی در سرتاسر زمین، تطبیق شریعت و اهداف الهی بر زندگی بشر و پایان دادن به حاکمیت بشر بر بشر عنوان می‌کند. (Koylu, 2003, P. 43 & 156) نتیجه این می‌شود که مبارزه دائمی مسلمانان با کفار در دوران مدرن نیز تداوم پیدا می‌کند؛ زیرا جهاد اسلامی هیچ شرطی را تحمل نمی‌کند، و از هر حیث اطلاق دارد. سید قطب، هم به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی باور دارد، هم به وجوب جهاد ابتدایی علیه کفار. در ادامه مقاله خواهیم دید که مشکل بنیادگرایان اسلامی آن است که متن را در درون زمینه سیاسی و اجتماعی خاص خود تفسیر نمی‌کنند و در واقع، به نوعی تناقض دچار می‌شوند.

### ب. رویکرد سنتی

قبل از هر چیز، باید به تفاوت رویکرد «سنتی» و رویکرد «سنت‌گرایانه» اشاره کنیم. مقصود از رویکرد «سنتی» برداشت اندیشمندانی است که عمدتاً در قالب فقها نظرات خود را بیان داشته‌اند. اما رویکرد «سنت‌گرایانه» به ظواهر شریعت و فقه کمتر از اصل و محتوای دین توجه دارد. در رویکرد سنتی، نظرات مختلفی وجود دارد؛ زیرا وضعیت زمان حضور معصوم عَلَيْهِ السَّلَام باید از زمان غیبت تفکیک شود؛ همان‌گونه که گفتمان اسلام سیاسی از گفتمان اسلام غیرسیاسی متفاوت است.

در بین فقهای سنتی نیز آراء متفاوتی در خصوص جهاد ابتدایی به چشم می‌خورد. در میان فقهای اهل سنت به ابن تیمیه نسبت داده شده که گفته است: همه جهاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

دفاعی بوده و ما در اسلام جهاد ابتدایی نداریم.<sup>۱</sup> (رکابی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۹ / ابن تیمیه، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۲۵) به اعتقاد وی، تمام کتاب‌های سیره و حدیث و تفسیر و فقه این مطلب را تأیید می‌کنند که آن حضرت هیچ‌گاه مبادرت به جنگ ابتدایی نمی‌کردند.

محمد رشیدرضا نیز در تفسیر المنار، منکر جهاد ابتدایی در اسلام شده و همه جهاد پیامبر ﷺ را دفاعی می‌داند. به عقیده وی باید آیات مطلق را حمل بر آیات مقید (دفاعی) کرد. (رشیدرضا، ۱۴۲۱ ق، ص ۲۱۵)

امام شافعی معتقد است: آیاتی همچون «واقتلوهم حيث ثقتموهم» (بقره: ۱۹۱) ناسخ دیگر آیات جهاد است.

به‌طور کلی، سه نظریه در میان فقها و اندیشمندان شیعی در باره جهاد ابتدایی وجود دارد:

۱. مشهور فقها جهاد ابتدایی را امری واجب و منحصر به زمان حضور امام معصوم می‌دانند. اکثر قریب به اتفاق فقهای متقدم در مشروعیت جهاد ابتدایی، حضور امام عادل را شرط دانسته‌اند. بنابراین، جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام زمان عجل الله فرجه جایز نیست. ایشان به اجماع و برخی روایات استدلال می‌کنند؛ ادله‌ای که از جانب دیگران محل سؤال است. از کلمات بسیاری از فقهای متقدم چنین استفاده می‌شود که علت و معیار جهاد ابتدایی با کفار، کافر بودن آنهاست؛ و بنابراین، جهاد برای این واجب شده که کفار را وادار به تسلیم اسلام نمایند. ابوالصلاح حلبی را می‌توان از اولین فقهای دانست که به صراحت جهاد با کفار را به سبب کفر ایشان می‌داند.<sup>۲</sup> (حلبی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۴۶)

۱. «ان حروب النبى ﷺ باجمعها كانت دفاعية، كانت سيرته ان كل من هادنه من الكفار لم يقاتله و هذه كتب السيرة و الحديث و التفسير و الفقه و المغازی، تنطق بهذا متواتر من سيرته ﷺ فهو لم يبدأ اصلاً بقتال.»

۲. «يجب جهاد كل من الكفار و المحاربين من الفساق عقوبةً على ما سلف من كفره او فسقه و منعاً له من الاستمرار على مثله بالقهر و الاضطرار لكون ذلك مصلحةً للمجاهد على جهة القرية اليه سبحانه و العبادة له.»



شیخ طوسی نیز مخالفت با اسلام را علت جنگ با کفار تلقی می‌کند.<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۸۹)

۲. عده‌ای دیگر از فقها، جهاد ابتدایی را در هر زمان، چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت کبرا جایز نمی‌دانند. آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی معتقد است: اساساً جنگ ابتدایی در اسلام، در هیچ زمانی وجود نداشته است. وی طبق قاعده اصولی «حمل آیات مطلق بر آیات مقید»، نتیجه می‌گیرد که جهاد در اسلام دفاعی است؛ و بدین روی، به آراء فقهای همچون شیخ طوسی، ابن ادریس، شهید ثانی و صاحب جواهر به شدت انتقاد می‌کند. وی فتوای شیخ طوسی را نتیجه قرار گرفتن در جو سلطه فقه عامه می‌داند. به اعتقاد صالحی، جهاد برای تحمیل عقیده و دین با زور و قدرت اسلحه، نه با نصوص قرآنی و عقل و فطرت سازگاری دارد، نه می‌تواند پذیرش جهانی پیدا کند. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵ و ۴۶-۵۳)

۳. دسته سوم کسانی هستند که منکر جهاد ابتدایی شده و همه جنگ‌های پیامبر ﷺ را دفاعی دانسته‌اند، هر چند تفسیری موسع از «دفاع» ارائه می‌دهند. در حقیقت، هم می‌توان «دفاع» را در صورت حمله دشمن فرض کرد و هم «دفاع از توحید». کسانی که منکر جهاد ابتدایی هستند و همه جنگ‌های اسلام را دفاعی می‌دانند طبق قاعده اصولی، آیات مطلق (مطلق جهاد) را حمل بر مقید (جهاد دفاعی) می‌کنند.

آیت‌الله بلاغی منکر جهاد ابتدایی است.<sup>۲</sup> (بلاغی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۶)  
استاد مطهری، به تبع علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۴۸)، دایره جهاد دفاعی را توسعه داده، حتی جنگی را که برای آزادی دعوت و رفع موانع از تبلیغ صورت می‌گیرد نیز دفاعی معرفی می‌کند: «آیا با حکومت‌هایی که مانع نشر دعوت در میان

۱. «کل من خالف الاسلام من سایر اصناف الکفار یجب مجاهدتهم و قتالهم»

۲. «ان جمیع حروب النبی ﷺ کانت محض دفاع، حیث قال: انه لم یکن حرب من حروبه ابتدائياً لمحض دعوت الی الاسلام ...»

ملت‌ها هستند جایز است جنگیدن، تا حدی که سقوط بکنند و موانع نشر دعوت از میان برود یا نه؟» و در جواب می‌نویسد: «بلی، این هم جایز است، این هم باز جنبه دفاعی دارد که ماهیت آن در واقع دفاع است.» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۵۲) شاید عبارت مزبور کمی ابهام داشته باشد، اما سخنرانی سال ۱۳۴۶ استاد که در سال ۱۳۹۳ چاپ شد، پرده از این ابهام برمی‌دارد:

اسلام نظر خاصی در مورد کسانی که پرستش غیر خدا را می‌کنند، دارد و برای آنها هیچ حقی قایل نیست و می‌گوید: باید اسلام و توحید را به آنها عرضه کرد؛ اگر پذیرفتند که بسیار خوب، و اگر نپذیرفتند باید با آنها جنگید؛ اگر مغلوب شدند اسیر جنگی و احیاناً برده می‌شوند. اساساً نه حیات حق طبیعی بشر است، نه آزادی حق طبیعی وجود دارد، ولی مربوط به حیات و آزادی نیست. ما نباید این اسارت را که او برای خودش انتخاب کرده محترم بداریم. بردگی فی حد ذاته ظلم نیست. (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۱۳، ۱۵، ۱۸ و ۳۱)

هرچند ممکن است گفته شود: نظر استاد در کتاب *پیرامون انقلاب اسلامی* نسبت به آزادی تغییر کرده است، اما مبنایی که درباره جهاد ابتدایی ارائه شده، در هر دو کتاب همخوانی دارد. نتیجه این مبنا با قول چهارم تفاوت چندانی ندارد و به همین دلیل، آیت‌الله مصباح نیز چنین می‌گوید:

همه انواع جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد؛ با این تفاوت که متعلق دفاع مختلف می‌شود. فلسفه جهاد ابتدایی احقاق یک حق عظیم و برتر است که خدای متعال بر جمیع بندگان خود دارد. (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱-۱۵۳)

تعریفی که از «کافر حربی» می‌تواند ارائه شود، می‌تواند مؤید توسعی باشد که در معنای «دفاع» صورت گرفته است. برخی معتقدند: کافر حربی هر کسی است که ذمی نباشد، هرچند با مسلمانان جنگ نکنند؛ زیرا با اصل توحید درافتاده است! برای مثال، احمد

فتح الله معتقد است: «فليس معنى الحربى فى اصطلاح الفقهاء من أعلن الحرب على المسلمين» (فتح الله، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۵۷)؛ همان گونه که محمدجواد مغنیه می نویسد:

و ليس معنى الحربى فى اصطلاح الفقهاء من أعلن الحرب على المسلمين، فكل من لا كتاب له و لا شبهة كتاب من اصناف الكفار فهو حربى عندهم، وهذا لا تقبل منه الجزية بالاتفاق؛ أما من له كتاب كاليهودى والنصرانى أو شبهة كتاب كالمجوسى فهو على قسمين: ذمى، وهو الذى يقبل شروط الذمة ويلتزم بها، وغير ذمى وهو الذى يمتنع عن قبول هذه الشروط، وحكمه حكم الحربى بإجماع الفقهاء. (مغنیه، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۶۱)

۴. گروهی دیگر معتقدند: جهاد ابتدایی در زمان معصومان علیهم السلام جایز بود، و این امر مختص امام معصوم نیست و به دوران غیبت نیز تعمیم می یابد. این گروه عمدتاً در گفتمان اسلام سیاسی و معتقد به نظریه «ولایت فقیه» محسوب می شوند. استاد محمدتقی مصباح یزدی تفاسیری که جهاد ابتدایی را منکرند نوعی مرعوب شدن در برابر تفکر غرب تلقی می کند و معتقد است:

جهاد ابتدایی در اسلام از ضروریات فقه اسلامی است. آنچه بیشتر انگیزه شده تا امروز برخی افراد در جواز جهاد ابتدایی تشکیک روا دارند، خودباختگی در برابر فرهنگ غرب است. تنها ارزش اصیل و مطلق انسان وصول او به کمال نهایی است. حتی اگر ثابت شود پیامبر جهاد ابتدایی نداشتند، باز در جواز آن تشکیک راه نمی یابد. (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹-۱۵۳)

در حالی که مشهور فقهای شیعی، همچون شیخ طوسی شرط جهاد ابتدایی را وجود امام معصوم علیه السلام می دانند (طوسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۸۵)، برخی دیگر از فقهای معتقد به ولایت فقیه و حکومت اسلامی معتقدند: جهاد ابتدایی به امام معصوم علیه السلام اختصاص ندارد. آیت الله سیدمحمدحسین فضل الله نیز سه هدف اساسی برای جهاد در اسلام برمی شمارد: رساندن مردم به سوی وحدانیت خداوند و برداشتن مانع در این مسیر؛ ایجاد

رعب و ترس بر دل‌های کفار و مشرکان، به گونه‌ای که قصد حمله و تجاوز بر سرزمین‌های اسلامی را از آنها سلب نماید؛ و دفاع از سرزمین مسلمانان هنگامی که بدان تعدی شود. وی می‌نویسد: واضح است که تحقق این اهداف اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه در هر زمان این اهداف باید تحقق پیدا کنند؛ زیرا اصل اساسی در اسلام دعوت جوامع است به سوی حق و حقیقت که مایه حیات و کمال جوامع بشری است. قدرت امروزه یک رکن اساسی برای به دست آوردن عزت و سربلندی است که این عزت را می‌توان در سایه جهاد به دست آورد. (فضل‌الله، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۳۴)

آیت‌الله محمد مهدی آصفی درباره شرط حضور امام در جنگ ابتدایی به سه نکته اشاره می‌کند: عدم مشروعیت جهاد ابتدایی تحت لوای امام جائز؛ مشروعیت جهاد ابتدایی در زمان حضور امام معصوم علیه السلام به اذن امام؛ و کافی بودن اذن فقیه جامع الشرائط در جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبرا. (آصفی، ۱۴۲۱ ق، ص ۷۱ به بعد)

آیت‌الله سید محمد صادق حسینی روحانی، یکی دیگر از علمای معاصر، جهاد ابتدایی را در زمان غیبت کبرا به اذن فقیه جامع الشرائط جایز می‌داند. ایشان در کتاب *فقه الصادق* می‌نویسد: نصوص دینی جهاد ابتدایی را مشروط به حضور معصوم علیه السلام نمی‌داند. (حسینی روحانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵ به بعد)

از دیدگاه آیت‌الله سید کاظم حائری، وظیفه دولت اسلامی است که برای نشر دعوت آخرین دین الهی از ابزار جهاد ابتدایی به نحو احسن استفاده نماید. (حائری، ۱۴۰۲ ق، ص ۸۳-۱۰۲)

امام خمینی در کتاب *تحریر الوسيله* فتوای مشهور فقها را مبنی بر شرط بودن اذن امام معصوم علیه السلام در مشروعیت جهاد ابتدایی می‌پذیرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۴۳)

۱. «فالحق أنه ليس في شيء من النصوص ما يدل على اشتراط حضور الامام الاصل و دعائه له، فعدم المشروعية مع اذن الفقيه لا دليل عليه و يمكن ان يستدل لوجوب الجهاد الابتدائي مع اذن الفقيه الجامع الشرايط بامور.»

به نظر استاد سیدمجتبی نورمفیدی: «امام خمینی متمایل به جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت بوده است.» (نورمفیدی، ۱۳۹۴) این سخن با توجه به دلیل تنزیل (تمام اختیاراتی که امام معصوم دارد فقیه نیز داراست) بعید به نظر نمی‌رسد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در جواب استفتایی در این زمینه (که جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام چه حکمی دارد؟ آیا جایز است که فقیه جامع‌الشرائط مبسوط‌الید «ولی امر مسلمین» حکم به آن کند؟) معتقد است:

بعید نیست که حکم به جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع‌الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقواست. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰)

استدلال آیت‌الله منتظری این است که لفظ «امام» در روایات ذی ربط، به امام معصوم علیه‌السلام اختصاص ندارد:

جهاد ابتدایی و وجوب آن - چنان که گفته‌اند - مشروط به وجوب امام است؛ اما علی‌الاقوی، امام منحصر به امام معصوم نیست. و امام عادل کافی است، که طبعاً شامل فقیه جامع‌الشرائط نیز می‌شود. (منتظری، ۱۳۷۹، ص ۳۸)

البته به نظر می‌رسد نظر ایشان در کتب متأخر عوض شده و معتقد است: جهاد ابتدایی برای عوض کردن عقیده مخالفان اصلاً ثابت نیست. (منتظری، ۱۳۸۷، ص ۶۰) توسع در معنای «امام» شاید به علت مسلط شدن گفتمان اسلام سیاسی، در مقابل رقبای ایدئولوژیک خود بوده است.

در این بین، نکته جالب توجه آن است که آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی در حالی که اصل تشکیل حکومت اسلامی در زمان عدم حضور امام معصوم علیه‌السلام را زیر سؤال می‌برد، به جهاد ابتدایی در مقابل کفار در دوره غیبت معتقد است. (عارفی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶-۱۵۹) به عقیده ایشان، توقیت زمان جهاد به عصر حضور امام علیه‌السلام با منطوق جهاد سازگاری ندارد،

و فقیه از باب «حسبه» به این امر اقدام می‌کند، و ضرورت دارد با اهل خبره مشورت نماید.<sup>۱</sup> (تبریزی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۶۶) معنای این سخن آن است که در زمان غیبت کبرا نمی‌توان حکومت اسلامی تشکیل داد، اما جهاد ابتدایی با کفار و جوب دارد. اگر تفکر سیستمی حاکم باشد، انتظار آن است که زیرسیستم‌ها با یکدیگر و با کل سیستم همخوانی داشته باشند. جهاد ابتدایی بدون قبول حکومت اسلامی امر بعیدی به نظر می‌رسد.

۵. آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی معتقد است: «جهاد ابتدایی در عصر غیبت مشروعیت دارد، ولی وجوب ندارد. در جهاد ابتدایی اذن امام شرط نیست. نظر من مثل آیت‌الله خوئی است.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۵۰) البته - همان‌گونه که دیدیم - نظر آیت‌الله خوئی وجوب جهاد ابتدایی است، نه صرف جواز.

### ج. رویکرد سنت‌گرایانه

برخلاف بنیادگرایان، تأکید سنت‌گرایان بر اهداف دین است، نه ظواهر شریعت و فقه. معتقدان به «جاویدان خرد» یا «حکمت خالده»<sup>۲</sup> معتقدند: معرفت امری مقدس و برآمده از عقل شهودی است. چون این سنت زنده و پویاست، می‌تواند در ادیان و مذاهب مختلف - به شکلی - مشاهده شود. لازمه این امر نوعی «کثرت‌گرایی»<sup>۳</sup> (معرفت‌شناسانه) است. ایشان به جهاد اکبر یا جهاد با نفس بیش از جهاد اصغر یا مقاتله با کفار اهمیت می‌دهند.

آن‌گونه که دکتر سیدحسین نصر توضیح می‌دهد، جهاد اکبر وظیفه اصلی یک مسلمان در برابر خداوند و جامعه اسلامی است؛ و به این علت «جهاد اکبر» خوانده شده که خواهش‌های نفسانی و شیطانی و دنیوی به حداقل می‌رسد. بر این اساس، جهاد ظاهری با کفار و جوب موضوعیت خود را از دست می‌دهد. سیدحسین نصر با ارائه تعبیری صوفیانه،

۱. «و من الطبيعي ان تخصیص هذا الحكم بزمان موقت و هو زمان الحضور لاینسجم مع اهتمام القرآن و امره من دون توفیت فی ضمن نصوصه الکبیره.»

2 . perennial wisdom.

3 . pluralism.

جهاد را باعث ایجاد تعادل روحی و روانی در بشر تلقی می‌کند. به عقیده وی، صلح و زیبایی در جهان جز با جهاد با نفس امکان تحقق ندارد. (Nasr, 2021)

همانند رویکرد سنت‌گرایانه، گرایش‌های صوفی‌گرایانه و عرفانی نیز چنین دیدگاهی نسبت به جهاد دارند. برای درک ماهیت معنوی و اهمیت جهاد در زندگی بشر، باید به این مسئله اساسی توجه کرد که دین مبین اسلام بنیان خود را بر مساوات نوع بشر و تحقق اهداف الهی در زمین قرار داده است. به اعتقاد وی، جهاد اکبر برای تحقق توحید و وحدت امت اسلامی و آحاد بشر، امری لازم تلقی می‌شود؛ زیرا اگر نفوس انسان‌ها اصلاح شود، هم بر دشمن داخلی و هم بر دشمن خارجی غلبه پیدا می‌کنند. (Nasr, 2021)

نقطه قوت استدلال مزبور آن است که اگر بر جهاد اصغر بدون تحقق جهاد اکبر تأکید شود، چه بسا افرادی حاضر به مبارزه و قتال شوند که هنوز با دشمن درونی خود مبارزه نکرده و شیطان وجود خویش را مهار نکرده باشند. در این صورت، کشتن دشمنان ارزش چندانی نخواهد داشت و توحید واقعی در جامعه محقق نخواهد شد. به همین سبب است که شخص با شهادت به توحید و رسالت پیامبر ﷺ مسلمان شناخته می‌شود، و جان او در امان می‌ماند. شخص با نماز خواندن خود را با هارمونی جهانی هماهنگ می‌کند، و قلباً جهادی با نفس خویش انجام می‌دهد. شخص معنوی، جهاد درونی همواره وی را از خواب غفلت بیدار می‌کند، و هر ضریبان قلب وی نام مقدس الهی را منعکس می‌سازد و همه اشیا و مخلوقات را به خالق خود مرتبط می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «مردم خوابند، وقتی مردند بیدار می‌شوند.»<sup>۱</sup> جهاد اکبر به انسان کمک می‌کند که قبل از موت ظاهری، به موت واقعی و کشتن نفس دست یابد و زیبایی‌های واقعی را آن‌گونه که هست، مشاهده کند. (Nasr, 2021)

۱. روایت «الناس نيام، فاذا ماتوا انتبهوا» در منابع شیعی هم از پیامبر اکرم ﷺ و هم از امام علی عليه السلام نقل شده است. (المازندرانی، ۱۳۴۲، ج ۹، ص ۱۸۰)

هر چند سنت‌گرایان به خوبی به مسئله جهاد با نفس پرداخته‌اند، اما به شکل روشن، جهاد اصغر و اقسام آن را توضیح نداده‌اند. برای مثال، باید مشخص شود که جهاد ابتدایی در زمان معصوم علیه السلام وجود داشته است یا نه؟ و در دوران مدرن چگونه باید با این مسئله برخورد کرد؟ حکم جهاد ابتدایی از جهاد دفاعی متفاوت است، همان‌گونه که حکم زمان حضور معصوم و عصر غیبت نیز تفاوت دارد. نکته مهم در این بین، نسبت جهاد اصغر و جهاد اکبر است.

#### د. رویکرد تجددگرایانه

تجددگرایان معتقدند: جهاد باید با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی صدر اسلام تفسیر شود. نتیجه این فرض آن است که جهاد ابتدایی در دوره غیبت موضوعیت خود را از دست می‌دهد. به اعتقاد ایشان، مستشرقان از این اصطلاح سوءبرداشت کرده‌اند و بی‌تردید، باید مقتضیات جامعه مدرن در نظر گرفته شود. فرض اولیه آنها این است که دین نمی‌تواند با عقل مدرن و استلزامات آن در تضاد باشد. عقل مستقل نمی‌تواند بپذیرد که اگر کشوری قصد حمله به ما را ندارد، با آن بجنگیم. (Koylu, 2003, P.25-27) رویکرد تجددگرایانه در مقابل رویکرد بنیادگرایانه قرار می‌گیرد، و جهاد ابتدایی و برخورد خشونت‌آمیز در روابط بین‌الملل را رد می‌کنند و در واقع، اسلام را با تجدد و حقوق بشر سازگار می‌دانند.

به اعتقاد دکتر عبدالکریم سروش، جهاد ابتدایی در صدر اسلام برای دوران تأسیس معنا داشته است؛ اما در دوران تثبیت (همانند زمان کنونی) جهاد ابتدایی معنایی نخواهد داشت. هر چند وی «تجددگرا» شناخته می‌شود، ولی مدرنیته را به شکل کامل نمی‌پذیرد و انتقاداتی نیز به آن دارد. (Jalaeipour, 1997, different pages) استدلال او این است که ارتباطی منطقی بین اومانیزم، دانش جدید، و صنعت و فناوری (و آفات آن) وجود ندارد. (سروش، ۱۳۷۳، ص ۲-۵) همان‌گونه که اشاره شد، بنیادگرایی، رویکرد سنتی، سنت‌گرایی و تجددگرایی نمونه‌های مثالی هستند و کسی را نمی‌توان تصور کرد که به شکل خالص به یکی از این گفتمان‌ها معتقد باشد.



### قرائتی جدید از جهاد ابتدایی

جهاد دفاعی مقتضای عقل و شرع است و بنابراین، بحث را باید بر جهاد ابتدایی متمرکز کنیم. در خصوص معنای «جهاد» و اعتقاد به جهاد ابتدایی، هر یک از قرائت‌های چهارگانه فوق مشکلاتی دارند. رویکرد بنیادگرایانه به ظواهر قرآن و سنت تمسک می‌کند و از معانی واقعی دین بازمی‌ماند. نکته مهم در این بین آن است که هیچ آیه‌ای در قرآن کریم به جهاد ابتدایی اشاره ندارد و همه آیات مربوط به زمینه‌های سیاسی، مربوط به دفاع محسوب می‌شوند. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز جهاد ابتدایی رخ نداده است. رویکرد سنتی بسیار متنوع است، و به شکل جداگانه باید تحلیل گردد.

کسانی که به وجوب جهاد ابتدایی رأی داده‌اند باید مشخص کنند وضعیت دولت مدرن، به ویژه با توجه به قراردادهای بین‌المللی، چگونه خواهد شد؟ اگر دولت مدرن بر اساس اصل وفای به تعهدات، خود را مقید به قراردادهای بین‌المللی می‌داند باید نسبت این مسئله با وجوب جهاد ابتدایی در زمان غیبت بررسی شود.

از سوی دیگر، سنت‌گرایان و تجددگرایان به شکل فنی وارد بحث فقهی و دینی نشده‌اند و مشخص نمی‌کنند که با روایات و آیات موجود در این زمینه چه باید کرد؟ نگارنده معتقد است: با مبنا قرار دادن هرمنوتیک اسکینر می‌توان به قرائتی جدید در این زمینه دست یافت. دو مدعا در این زمینه مطرح است: اولاً، جنگیدن در صدر اسلام (و دوران کلاسیک) امری عادی و بهنجار تلقی می‌شده. ثانیاً، جهاد ابتدایی در دوران مدرن موضوعیت خود را از دست داده است.

هرمنوتیک نحله‌های متفاوتی دارد و در حالی که برخی بر قصد مؤلف تأکید دارند، هرمنوتیک هستی‌شناسانه و هرمنوتیک پسامدرن معتقدند: «مؤلف مرده است». اسکینر از روش هرمنوتیک قصدگرا برای فهم اندیشه سیاسی استفاده می‌کند و در عین حال، این روش را به راه سومی بین زمینه‌گرایی و متن‌گرایی پیوند می‌زند. اسکینر فیلسوف تحلیلی است که به نوعی زمینه‌گرایی روی آورده است و علاوه بر توجه به زمینه، از نومیالیسم و بر، دیدگاه زبانی ویتگنشتاین مبنی بر یگانگی کلمات و کنش‌ها، و نظریه «کنش‌گفتاری» آستین بهره می‌برد.

از دیدگاه هرمنوتیک قصدگرا، معانی واژگان را نمی‌توان به شکل مجرد دریافت، بلکه باید به کاربرد آنها در بازی زبانی توجه نمود. به اعتقاد وی، «متن» یعنی: پاره‌گفتارهایی که برای حل مسئله‌ای خاص برای مخاطبانی مشخص ارائه می‌شود. این روش در صدد است دیوار میان مطالعه اندیشه سیاسی و تاریخ واقعی را فرو ریزد.

اسکینر زمینه‌گرایی است که در عین حال، به وجوه مثبت متن‌گرایی نیز توجه دارد و خود راه سومی را پیشنهاد می‌کند که نگارنده این سطور از آن به «همروی متن‌گرایی و زمینه‌گرایی» تعبیر کرده است. او پنج مرحله برای فهم اندیشه سیاسی بیان می‌کند: نویسنده در نوشتن متن، نسبت به دیگر متون در دسترس که زمینه ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند، چه کاری را انجام می‌دهد یا انجام می‌داده است؟ نویسنده در نوشتن یک متن، نسبت به کنش سیاسی در دسترس و مورد بحث که زمینه عملی را تشکیل می‌دهد، چه کاری انجام می‌دهد یا می‌داده است؟ ایدئولوژی‌ها چگونه می‌بایست شناسایی شوند و تکون، نقد و تحول آنها چگونه می‌بایست بررسی و تبیین شود؟ ارتباط ایدئولوژی سیاسی و کنش سیاسی که اشاعه ایدئولوژی‌های خاصی را به‌خوبی توضیح می‌دهد، چیست و این امر چه تأثیری در رفتار سیاسی دارد؟ کدام اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج و مرسوم یا عرفی ساختن تحول ایدئولوژیک نقش دارند؟ (حقیقت، ۱۳۹۸، ص ۳۸۶-۴۰۰) در واقع، ابتدا برای فهم متن باید به صدر اسلام رفت و سپس برای تفسیر متون مقدس، به زمان حال - با توجه به مقتضیات جامعه مدرن - بازگشت.

در فهم معنای «جهاد» در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه به چند نکته اهمیت دارد: اولاً، تأکید اصلی اسلام بر جهاد با نفس، به مثابه «جهاد اکبر» است و به جنگ تنها به عنوان یک ضرورت نگاه شده است.

ثانیاً، در قرآن کریم و سنت نبوی اثری از جهاد ابتدایی وجود ندارد و تمام موارد شکل دفاعی داشته است. همان‌گونه که آیت‌الله مطهری - که متأثر از علامه طباطبائی بود - اظهار داشته، آیات مطلق جهاد را باید حمل بر آیات مقید (به دفاع) کرد. نتیجه این حمل آن است که اساساً آیه‌ای مبتنی بر جهاد ابتدایی باقی نمی‌ماند. (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۶-۲۹) آیت‌الله منتظری نیز چنین بحثی را مطرح کرده است. (منتظری، ۱۳۸۷، ص ۶۰-۶۳)

ثالثاً، بین دوران تأسیس (که در آن جنگیدن نوعی شجاعت محسوب می‌شد) و دوران تثبیت (همانند دوران ما) باید تمایز قایل شد.

رابعاً، جنگیدن در آن زمان، امری مرسوم و بهنجار محسوب می‌شد. در آن دوران، روابط بین کشورها به نوعی «جنگ همه علیه همه» تلقی می‌گردید و به شکل استثنایی قرارداد صلح و همکاری به امضا می‌رسید. قبایل در آن زمان مسئولیت خاصی در مقابل دیگران احساس نمی‌کردند و به شکلی نظریه «تغلب» حاکمیت داشت. (Firestone, 1999, different pages) به بیان دیگر، روابط بین کشورها در آن روز قابل مقایسه با شرایط کنونی روابط بین‌الملل نیست.

خامساً، عقل مستقلی که نگارنده در نظریه «همروی» از آن بحث کرده (حقیقت، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱-۱۴۴)، قادر است مصادیقی را (همچون جهاد ابتدایی با کسانی که قصد حمله به مسلمانان را ندارند) مورد قضاوت قرار دهد. عقل مستقل نمی‌تواند قبول کند به غیرمسلمانانی که در کشورهای سکولار زندگی می‌کنند، به صرف کفرشان، حمله نظامی کنیم. علامه طباطبائی هم می‌فرماید: قتال با کفاری که قصد جنگ با ما ندارند با آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» مخالفت دارد. (طباطبائی، ۱۴۰۳، ق، ص ۶۸) توجیه شهید اول مبنی بر اینکه فلسفه تکلیف قانون اجتماعی است، نه تقرب (و بنابراین، با اجبار منافات ندارد) نیز مشکلی را حل نمی‌کند. فارغ از بحث روایی و استنباط فقهی، عقل مستقل حکم می‌کند که اگر کسی (یا دولتی) نخواهد با ما بجنگد و مانع تبلیغ اسلام هم نشود و نخواهد اسلام آورد، نمی‌توان او را بین کشته شدن یا اسلام آوردن اجباری قرار داد. عقیده داشتن و تدین امری اجباری و اکراهی نیست.

علاوه بر این، تکلیف اسلام یک (خود متون مقدس) را از اسلام دو (قرائت‌های موجود از متون) و اسلام سه (عملکرد مسلمانان در طول زمان) باید جدا کرد. اگر خوانشی از اسلام و تشیع و یا عملکرد مسلمانان (به ویژه در دوران غیرمعصوم) با عقل مستقل سازگاری نداشته باشد، نباید آن را به پای اسلام یک گذاشت. از دیدگاه شیعی، کشورگشایی مسلمانان در زمان بعد از پیامبر ﷺ را نمی‌توان به شکل کامل تأیید کرد. هرمنوتیک

اسکینر به خوبی نشان می‌دهد که متن باید در درون زمینه عملی و ایدئولوژیک و اوضاع سیاسی و اجتماعی خود تفسیر و تصرف‌هایی که در اصطلاحات ذی‌ربط انجام شده، برجسته شود.

ایدئولوژی‌های رقیب در آن زمان، مربوط به قبایل و دولت‌هایی بود که با دولت اسلامی سر ناسازگاری داشتند. وجود خشونت در آیات و روایات با نوع برداشت ما از کیفیت وحی ارتباط مستقیم دارد. بر خلاف مدعای دکتر سروش که الفاظ قرآن را از پیامبر می‌داند (سروش، ۱۳۹۲)، معانی و الفاظ قرآن کریم از سوی خداوند است؛ اما چون ظرف زمانی و مکانی خاصی داشته، رنگ و بوی خاص آن دوران را به خود گرفته است. محیط پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مملو از مخالفان داخلی (همانند کفار، مشرکان و منافقان) و دشمنان خارجی (در سطح قبایل و دولت‌ها) بود. پس اگر قرآن کریم در سوئد مدرن نازل می‌شد، نیاز به آیات قتال و مانند آن به این شکل احساس نمی‌شد.

بر اساس نکات پیش‌گفته و به تعبیر فضل‌الرحمان، می‌توان بازگشتی هرمنوتیکی از متن قدیم به زمان جدید داشت. روابط بین‌الملل در دوران مدرن تحول اساسی یافته است و کشورهای سکولار اساساً ضدیت دینی با هم ندارند. جنگ‌های صدر اسلام به نوعی جنگ دینی بودند؛ و در دورانی که کشورهای سکولار در کنار هم زیست می‌کنند، موضوعیت جنگ‌های کلاسیک از بین رفته است. به بیان دیگر، اگر اثبات می‌شد که جهاد ابتدایی واجب شرعی است (امری که به خودی خود زیر سؤال رفته)، اختصاص به ضدیت قبایل و دولت‌های دینی و ضددینی داشته و بنابراین، موضوعیتی برای کشورهای سکولار امروزی ندارد. اگر کسی کشور اسلامی را مکلف به جنگ ابتدایی با کشوری همانند سوئد یا نروژ بداند، خلاف عقل مستقل نظر داده است. در نظریه «همروی»، عقل مستقل می‌تواند به چنین مسائلی حکم کند. حال، اگر باز فرض کنیم جهاد ابتدایی وجوب دارد، باید نسبت آن را با قراردادهای بین‌المللی مشخص کنیم. کشور مدرن اسلامی که عضو سازمان ملل متحد است و قراردادهای و کنوانسیون‌های متفاوتی را به امضا رسانده - در حقیقت - مبانی نظری

خود را تحدید کرده است و ما شرعاً و قانوناً باید به تعهدات بین‌المللی (بر اساس «اوفوا بالعقود»<sup>۱</sup>) وفادار باشیم.

پس اولاً، جهاد ابتدایی - دست‌کم حداقل در دوران غیبت کبرا از حیث نظری امری اثبات شده نیست. ثانیاً، در دوران مدرن و دولت‌های سکولار موضوعیت ندارد. ثالثاً، به وسیله قراردادهای بین‌المللی تحدید می‌شود. قراردادهای بین‌المللی مسئولیت‌های فراملی دولت اسلامی را تحدید می‌کنند. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۹۸-۱۴۵) بر اساس هرمنوتیک اسکینر، حکومت‌ها و ایدئولوژی‌های رقیب حکومت اسلامی در صدر اسلام با رقبای دولت مدرن اسلامی بسیار متفاوت‌اند. امروزه اصل اولیه آن است که دولت‌ها با هم سر جنگ نداشته باشند و بدین‌منظور، نهادهای بین‌المللی زیادی تشکیل شده‌اند. دولت مدرن اسلامی نیز بدون حضور در مجامع بین‌المللی و عقد قراردادهای گوناگون امکان تداوم حیات ندارد. اسلام دین صلح است و جز در شرایط خاص جنگ را تجویز نمی‌کند. تاریخ صدر اسلام شاهد این مدعاست.

اگر بخواهیم مطالب نظری فوق را بر روابط جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها در صحنه روابط بین‌الملل تطبیق کنیم، با فرض وجوب جهاد ابتدایی با دشمنان قسم خورده دولت اسلامی، شاید بتوان گفت: اسرائیل در بین کشورهای جهان صرفاً یک کشور سکولار محسوب نمی‌شود؛ زیرا علاوه بر مسئله شکل گرفتن آن با ظلم به فلسطینیان، بر اساس تعالیم دینی خود سر تضاد با ج.ا.ا. دارد.

### جمع‌بندی و نتیجه

به عنوان نتیجه مطالب پیش‌گفته می‌توان به مطالب ذیل اشاره نمود:

- علمای سنی و شیعی در حمایت از جهاد دفاعی تقریباً متفق‌القول هستند.
- ایشان قرائت‌های متفاوت و گاه متضادی راجع به جهاد ابتدایی دارند.
- مشهور علمای شیعه جهاد ابتدایی را مختص زمان حضور معصوم ع می‌دانند.

- برخی از اسلام‌گرایان متأخر، مثل آیت‌الله منتظری جهاد ابتدایی در زمان غیبت را زیر سؤال می‌برند.
- سنت‌گرایان و تجددگرایان اساساً به جهاد ابتدایی باور ندارند.
- بنیادگرایان اسلامی از جهاد ابتدایی دفاع می‌کنند.
- اسلام‌گرایان (کسانی که به ضرورت تشکیل حکومت بر اساس شریعت باور دارند) در خصوص این مسئله، به دو گروه «میان‌رو» و «رادیکال» تقسیم می‌شوند.
- برخی از اسلام‌گرایانی که به نظریه «ولایت فقیه» باور دارند، همچون آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خامنه‌ای به ضرورت جهاد ابتدایی در زمان غیبت معتقدند.
- استاد مطهری - به تبع علامه طباطبائی - تعبیر موسعی از دفاع (از توحید) به دست می‌دهد که حتی جهاد ابتدایی (در زمان غیبت) را نیز شامل می‌شود.
- برخی، همچون آیت‌الله خوئی به نظریه «ولایت فقیه» و حکومت اسلامی معتقد نیستند، اما به جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبراً باور دارند.
- در قرآن کریم و سنت نبوی، نمونه‌ای از جهاد ابتدایی وجود نداشته است.
- استدلال کسانی که جهاد ابتدایی را به زمان غیبت نیز تعمیم می‌دهند، ضعیف به نظر می‌رسد.
- بر اساس نظریه «همروی»، جنگ علیه کشورهای کافری که قصد جنگ با دولت اسلامی ندارند (مصادق جهاد ابتدایی) خلاف حکم عقل مستقل است. عقل مستقل «جهاد ابتدایی» به معنای مشهور را نفی می‌کند؛ زیرا این حق را باید برای همه به رسمیت شناخت تا به جنگ ادیان منجر نشود.
- حتی اگر جهاد ابتدایی واجب بود، موضوع آن دولت‌های ضددینی (مثلاً، در صدر اسلام) بود، نه دولت‌های سکولار و مدرن. پس موضوع جهاد ابتدایی در دوران مدرن منتفی است.
- باز اگر - به فرض محال - مکلف به شروع جهاد به شکل ابتدایی بودیم، قراردادهای بین‌المللی تحدیدکننده مسئولیت‌های فراملی دولت اسلامی تلقی می‌شود.

## منابع

۱. ابن تیمیه (۱۴۲۵ق)، رساله فی قتال الکفار، بی‌جا، بی‌نا.
۲. آصفی، محمد مهدی (۱۴۲۱ق)، الجهاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. بلاغی، محمدجواد (۱۴۳۱ق)، الرحلة المدرسية، قم، مرکز العالی للعلوم و الثقافة الاسلامیه.
۴. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم، مهر.
۵. حائری، سید کاظم (۱۴۰۲ق)، الکفاح المسلح فی الاسلام، قم، فروردین.
۶. حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۳ق)، فقه الصادق، قم، مؤسسه دارالکتاب.
۷. حقیقت، سید صادق (۱۳۹۸)، روش‌شناسی علوم سیاسی، ویراست چهارم، قم، دانشگاه مفید.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، همروی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی، تهران، هرمس.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتاءات، مسئله ۱۰۴۸، در: <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=88> (۱۴۰۰/۰۴/۱۸)
۱۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. رشیدرضا، محمد (۱۴۲۱ق)، تفسیر المنار، بیروت، دارالفکر.
۱۴. رکابی، شیخ (۱۴۱۸)، الجهاد فی الاسلام، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، «مؤلفه ممتاز مدرنیسم»، مجله کیان، ش ۲۰.
۱۶. سید رضی (۱۳۹۵)، نهج البلاغه، تهران، پیام عدالت.
۱۷. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، جهاد در اسلام، تهران، نشر نی.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۰۳ق)، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی) (۱۴۱۲ق)، النهایه، بیروت، دارالاندلس - افست منشورات قدس قم.
۲۰. عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۷)، اندیشه سیاسی آیت‌الله خوئی، قم، بوستان کتاب.
۲۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۲ آذر ۱۳۹۴)، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت مشروعیت دارد، ولی وجوب ندارد» حریم امام، ش ۱۹۶.

۲۲. فتح‌الله، احمد (۱۴۱۵ق)، *معجم الفاظ الفقه الجعفری، الدمام، مطبعة المدوخل*.
۲۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۶ق)، *الجهاد: دراسة استدلالیة نفههه حول موضوعات الجهاد و مسائله، بیروت، دارالملاک*.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، *جنگ و جهاد در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، *جهاد، تهران، صدرا*.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *بردگی در اسلام، تهران، صدرا*.
۲۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۱۴ق)، *فقه الإمام جعفر الصادق، قم، انصاریان*.
۲۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، تهران، سرایی*.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *حکومت دینی و حقوق انسان، قم، دانش ارغوان*.
۳۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی*.
۳۱. نورمفیدی، سیدمجتبی (۱۲ آذر ۱۳۹۴)، *گفت‌وگو، حریم امام، ش ۱۹۶*.
31. Firestone, Reuven (1999), *Jihad: The Origins of Holy War in Islam*, UK, Oxford University Press.
32. Jalaeipour, H. R. (1997), *The Iranian Islamic Revolution: Mass Mobilization and its Continuity during 1976-96*, Ph.D. Dissertation, London, Royal Holloway, University of London.
33. Haghghat, Seyed Sadegh (2010), "Jihad from a Shi'a Hermeneutic Perspective", in: Bas de Gaay Fortman (and others) (Editors), *Hermeneutics, Scriptural Politics, and Human Rights: Between Text and Context*, Palgrave Macmillan.
34. Koylu, Mustafa (2003), *Islam and its Quest for Peace: Jihad, Justice and Education*, Washington, D.C., The Council for Research in Values and philosophy.
35. Nasr, Seyyed Hossein, "The Spiritual Significance of Jihad", *Al-Serat*, Vol. IX, No. 1: <http://eweb.furman.edu/~ateipen/islam/protected/jihad-nasr.htm> (7/9/2021)